

زیرزمین سیاه اقتصاد ایران

دردهای اقتصاد ایران بسیارند. اقتصاد ناسالم، بیماری‌های دیگری را نیز پدید می‌آورد. رشد غده سرطانی "اقتصاد سیاه" از آن جمله است.



اصناف، قادر به بررسی چرخه بازرگانی داخلی و خارجی کشور نبوده و علاوه بر هدررفت منابع مالی دولت - که خود به دور تسلسل کسری بوده، افزایش نرخ‌های پایه مالیاتی و در نتیجه رشد مجدد فعالیت‌های زیرزمینی می‌انجامد -

سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای کشور را نیز منحرف ساخته است.

قاچاق نه تنها غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرعادلانه بوده و دولت (و مردم) را از حق تعرفه و مالیات محروم می‌کند، بلکه موجب صدمات فراوان به تولید داخل، سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌شود. البته این را نباید تنها از دید مردم دید و آنها را ملامت کرد. چند سال قبل، امام جمعه سیستان و بلوچستان به این سردبیر می‌گفت: "تا زمانی که اشتغال و سرمایه‌گذاری سالم در استان رواج نیابد، من چگونه علیه قاچاق کالا اعلام جنگ کنم و جوانان و خانواده‌ها را از روزی بی‌اندازم؟"

"رفتار توجیهی"

متأسفانه یکی دیگر از دلایل اقتصاد سیاه، عدم شفافیت و وجود انحصارات است که رفتار مردم را نیز تغییر می‌دهد. نخست باید این سؤال را مطرح کرد که چگونه شهروندان به خود اجازه می‌دهند که وارد بخش غیرقانونی اقتصاد سیاه شوند. یک پاسخ آن است که این گروه ممکن است برای خود "توجیه" کنند که وقتی "آنها این کار را می‌کنند، ما چرا نکنیم!" لذا اقتصاد ناسالم، خود توجیهی می‌شود برای گسترش اقتصاد ناسالم - از هر نوع. به علاوه، رابطه سالاری بنا بر تعریف، مردم را از اقتصاد سالم عقب می‌زند و گروهی را به زیرزمین اقتصاد ایران می‌کشاند.

از سوی دیگر، مشکل عدم شفافیت‌ها، سوء استفاده‌ها و امثالهم "توجیهی" دیگر برای مشارکت‌کنندگان در اقتصاد سیاه می‌شود. چند دهه است که در جمهوری اسلامی "قول مبارزه با مفاسد دولتی" داده می‌شود. ولی این طور به نظر می‌رسد که مفاسد نه تنها بهتر نشده‌اند که بدتر هم شده‌اند.

انحصارهای دولتی، عمومی و شبه‌دولتی به روحیه کارآفرینی بخش خصوصی لطمه می‌زنند و حتی فعالیت‌های قانونی را به زیر زمین اقتصاد سوق می‌دهند. اقتصاد سیاه را نباید

فقط منحصر به دست‌فروشی دید. موضوع بسیار بزرگتر از این است. در این رابطه، "عوض کردن خودسرانه سیاست‌ها" را نباید از یاد برد. به عنوان نمونه، اخیراً مسئولان خصوصی سازی کشورمان صحبت از "خصوصی سازی به سبک چینی" می‌کنند! سؤال در این باره زیاد است. ولی مهمترین آن این است که چرا

گسترش نظام دولتی، شبه دولتی و عمومی، نظام مالیاتی غلط (که همه را در مقابل قانون یکسان نمی‌پندارد)، ناتوانی سازمان‌های نظارتی شامل دیوان محاسبات و حسابرسی کشور، فقدان اطلاعات شفاف، گسترش اطلاعات نامتقارن، تخریب تدریجی نهادهای اقتصادی کشور (شامل نظام بانکی) و پدیده‌های نامیمون در یک اقتصاد ناسالم (مانند تورم و بی‌کاری)، همگی دست به دست هم داده‌اند تا مأمنی برای فعالیت‌های زیرزمینی به وجود آید.

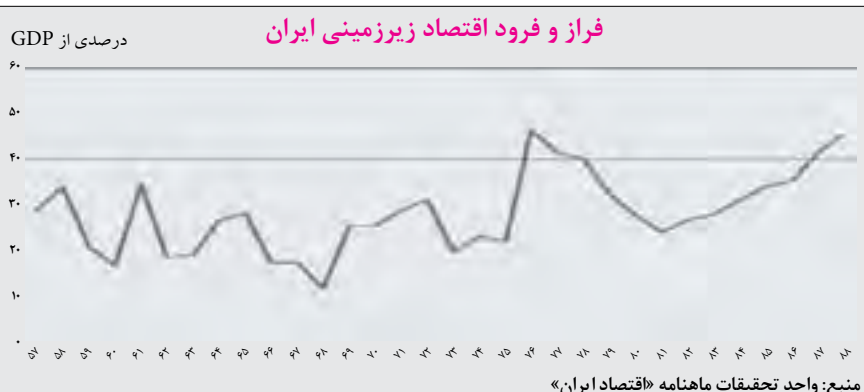
بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، یک درصد رشد اقتصاد زیرزمینی در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل آن که منجر به رشد مبادلات و در نتیجه گردش درآمد در جامعه می‌شود، باعث پدید آمدن رشد اقتصاد حدوداً ۰/۳ درصدی می‌شود. حال آن که به دلیل تمرکز بیش از حد دولت بر اقتصاد ایران، رشد اقتصاد زیرزمینی، بخش عمده‌ای از درآمد‌های مالیاتی دولت را حذف می‌کند که کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و زیرساختی، یکی از نتایج منفی آن خواهد بود. بر اساس گزارش دیگری از IMF، حجم اقتصاد سایه بر حسب درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، معادل ۱۴ تا ۱۶ درصد در اقتصادهای در حال گذار رقیمی بین ۲۱ تا ۳۰ درصد و در اقتصادهای در حال توسعه، چیزی حدود ۳۵ تا ۴۴ درصد GDP است.

در این راستا و بر اساس گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورمان همواره در دهه جاری رشد داشته که میانگین رشد آن بر حسب درصدی از GDP طی سال‌های ۸۰ تا ۸۷ معادل ۳۱ درصد بوده و پیش‌بینی می‌شود این رقم در پایان سال جاری به ۴۵/۵۴ درصد محصول ناخالص داخلی کشور برسد!

مشکلات بیشمار فضای نامتعادل کسب و کار - که چیزی جز کاهش رقابت‌پذیری و افزایش هزینه‌ها را به همراه نداشته - و نرخ نگران‌کننده بی‌کاری که دلیل اصلی رشد قاچاق در کشور بوده، فضای اقتصاد زیرزمینی را گسترده‌تر می‌کند. قاچاق با گران نشان دادن کالاهای داخلی، مصرف‌کننده را به سوی خود جذب کرده و سبب می‌شود تا قدرت تولید و توان رقابت تولیدکننده داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی به شدت کاهش یابد. این پایان کار نیست، چرا که تلاطم بازار اشتغال و فعال‌تر شدن بازارهای غیررسمی را به صورت چرخه‌ای به دنبال دارد. کاهش تولید و عرضه محصولات، کاهش صادرات و ریزش درآمد‌های ملی و سرانه در کنار برهم خوردن ترکیب تقاضای داخلی در یک چرخه نامبارک به تشدید مجدد قیمت‌ها خواهد انجامید. بنا بر گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» از گمرک کشور، تعداد کل پرونده‌های متشکله مظنون به قاچاق در سال گذشته معادل ۱۵/۲۸ درصد رشد داشته که در کالاها و بازارهای گوناگون حاکم بوده و بسیاری از تولیدکننده‌ها را فلج کرده است. علاوه بر این، عدم برخورداری مصرف‌کننده از گارانتی محصول قاچاق از دیگر تبعات منفی این پدیده است. توجه مسئولان به قیمت‌گذاری تعرفه‌ای مناسب و ایجاد

شغل در کلان‌شهرها و به‌خصوص در شهرهای مرزی از راهکارهایی است که می‌تواند از حجم بسیار بالای قاچاق در کشور بکاهد.

به دلایل فوق باید سیستم ضعیف مالیاتی کشور را نیز بی‌افزاییم که به دلیل فقدان بهره‌مندی از نظام اطلاعاتی و شناسایی کارآمد مؤدیان (مردم) واحدهای تولیدی، تجار و



نیست، برابر با تقاضای پول بازار، ریال "منتشر" نمی‌کند. همین امر به آن دلیل که نظام پولی کشور از سیستم نرخ بهره شناور برخوردار نیست، سبب به وجود آمدن دودستگی در بازار و یا همان شکل‌گیری بازار غیررسمی پول می‌شود. جدای از خروج سرمایه از بانک‌ها که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و رشد اقتصادی می‌شود، شکل‌گیری بازار غیررسمی پول - و هزاران درد دیگر نظیر نرخ‌های ۵۰ درصدی و تحکیم قدرت شبکه‌های زیرزمینی - فضای زیرزمینی اقتصاد را گسترده‌تر می‌کند که متأسفانه تأثیری مضاعف بر عقب‌ماندگی اقتصاد کشور بر جای می‌گذارد. در حال حاضر، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی کشور با بحران نقدینگی مواجه‌اند و برای رفع نیاز خود باید به این بازارها مراجعه کنند که همین امر به منزله تحکیم قدرت شبکه‌های زیرزمینی است. کار برای پایه‌گذاری یک اقتصاد سالم زیاد داریم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "زیر زمین اقتصاد ایران" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

این را در سال ۶۸ (که خصوصی‌سازی آغاز شد) اعلام نکردید تا مردم تکلیف خودشان را بلداندا

پولشویی در زیرزمین

علاوه بر مواردی که مطرح شد، پولشویی یکی دیگر از گونه‌های اقتصاد سیاه است که اثرات نامطلوب بسیاری بر اقتصاد کشور دارد. پولشویی که بر پایه مشروع جلوه دادن پول‌های به دست آمده از فعالیت‌های غیرقانونی به وجود می‌آید، علاوه بر اثرات ناهمگون آن بر اجتماع، اقتصاد را نیز به شدت متأثر می‌سازد. قدرت یافتن گروه‌های بزهکار و خارج شدن فعالیت‌های اقتصادی هر دو بخش دولتی و خصوصی از مسیر اصلی اقتصاد از مهمترین نتایج این پدیده است. علاوه بر این، پولشویی و به طور کلی اقتصاد زیرزمینی، بخش پولی کشور را متأثر می‌سازد. افزایش تقاضای پول که معادل ریالی آن در جامعه کالا رد و بدل شده، بی‌شک با وقوع اقتصاد زیرزمینی صورت می‌پذیرد، حال آن که بانک مرکزی بر اساس برآورد خود، از آنجا که از حجم واقعی اقتصاد سایه در کشور مطلع

جایگاه ایران در سازمان‌های جهانی

"منافع ملی با حضور تأمین می‌شوند، نه با غیبت"



تحلیل دکتر علی شمس‌اردکانی، عضو هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران»، از حضور کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی

مسئله دیگری که در این بحث وجود دارد این است که وقتی یک کشور با کشورهای دیگر ارتباط ایجاد می‌کند، سازوکار متغیرهای اقتصادی آن کشور هم با فضای ماورای مرزها ارتباط پیدا می‌کند و در واقع از محیط خارجی تأثیر می‌پذیرد و حتی تأثیر می‌گذارد. برقراری چنین ارتباطی نیازمند یک سازمان‌بندی خواهد بود که لازمه این سازمان‌بندی هم تشکیل یک سازمان بین‌المللی است. در این بین همان‌طور که گفتیم باید هر کشور به دنبال حفظ منافع ملی خود باشد. به عنوان مثال ایران نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن سازوکارهای بخش نفت نسبت به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و برقراری همکاری با دیگر کشورها مبادرت ورزد.

اگر در سازمان‌های مذکور یک کشور نتواند موضع قدرت خود را تثبیت کند، ممکن است در درون سازمان تصمیماتی به ضرر آن کشور اتخاذ شود.

از سوی دیگر ما باید یک دیپلماسی قوی جهت حضور مقتدرانه و تثبیت موضع خود در سازمان‌های بین‌المللی داشته باشیم. مهمترین دیپلماسی برای ایران بحث انرژی است. لذا اگر نتوانیم این مسایل را درست برنامه‌ریزی و حل کنیم و یک سیاست فعال نداشته باشیم، در نتیجه نمی‌توانیم در صحنه بین‌المللی از منافع کشور دفاع کنیم و حتی ممکن است باعث شکست برخی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های داخلی کشور شود. باید توجه داشت که منافع ملی با حضور تأمین می‌شوند، نه با عدم حضور.

عضویت در WTO

در این زمینه یک فرصت در اواخر دهه ۷۰ میلادی به وجود آمد که کشورهای آپک تصمیم گرفتند وارد این سازمان که در آن زمان به صورت پیمان گات بود نشوند. لذا ایران و عربستان تا سال‌های بعد از آن هم نسبت به این سیاست پایبند ماندند. اولین تحرکات جدی در این زمینه بعد از جنگ تحمیلی و با شروع به کار دولت آقای هاشمی آغاز شد. در

حضور در سازمان‌های بین‌المللی بخشی از دیپلماسی هر کشوری محسوب می‌شود. امروزه سازمان‌های زیادی به صورت بین‌المللی فعالیت دارند که برخی به صورت دولتی و برخی غیردولتی هستند. در سازمان‌های بین‌المللی دولتی، تنها دولت‌ها عضویت دارند که بزرگترین آن، سازمان ملل است. از جمله دیگر سازمان‌ها می‌توان به سازمان‌های موضوعی مانند آپک و سازمان‌های منطقه‌ای مثل اکو اشاره کرد. در برخی موارد سازمان‌های بین‌المللی به صورت ترکیبی هستند که سازمان کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان از آن جمله است. در این بین برخی سازمان‌ها وجود دارند که دولتی نیستند و در واقع به صورت خصوصی فعالیت می‌کنند. اکثر این سازمان‌ها ماهیت سیاسی ندارند و به نحو تخصصی حرکت می‌کنند. البته در دنیای امروز می‌توان گفت این سازمان‌ها هم بی‌تأثیر از سیاست نیستند. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که اساساً سازمان‌های بین‌المللی باید در خدمت منافع ملی کشورها باشند و برای دستیابی به این هدف مهم لازم است گاهی منافع ملی از سوی هر کشوری تجزیه و تعریف شود تا آن کشور بتواند در سایه سازمان‌های مذکور به منافع خود برسد. با نگاهی به روند طی شده در سال‌های گذشته می‌توان گفت سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به توسعه اقتصادی و توسعه روابط کشورهای دنیا کمک کنند، چرا که در پی تعامل کشورهای مختلف دنیا، بهره‌وری افزایش یافته و توسعه اقتصادی به همراه خواهند داشت.

موضوع دیگری که با توجه به گذشته می‌توان فهمید، تأثیر گستردگی جغرافیایی یک کشور بر میزان پیشرفت و افزایش قدرت در آن کشور است. همان‌طور که می‌دانید کشورهای بزرگ به خاطر وسعت مبادلات و تجارت در آنها قدرت زیاد به دست می‌آورند. یکی از دلایل پیشرفت چین همین گستردگی این کشور است. عضویت کشورهای مختلف در سازمان‌های همکاری بین‌المللی و اتحادیه‌ها، در واقع یک نوع یکپارچگی وسیع را برای این کشورها ایجاد می‌کند که همان نتیجه مذکور یعنی گستردگی بازارهای مبادله و تجارت را برای آنها در پی خواهد داشت. نمونه موفق چنین همکاری‌هایی را می‌توان در اتحادیه اروپا مشاهده کرد.